

بسیاری صدا شنیده‌اند؛
نه از گلو
گفتند: صدای خدایان بود،
یا تنها خدایی
که دستور می‌داد: این کار، نه آن.

اما شاید سنگی بود
که خواب پیکره می‌دید و زمزمه می‌کرد:
از پوستم مرا جدا کن.

و شاید حیوانی بود
که زندگی‌اش را پیش دست‌ها گذاشت
و با چشم‌هایش گفت: مرا بکشید.

باقی، شبیه یادآوری بود.